



در سالن انتظار فرودگاه بودیم. سالن پر از مسافر بود. کنار من دختری نشسته بود که چهره‌اش نشان می‌داد ایرانی نیست. مادرش او را هِلِن صدا می‌زد. من مشغول ورق زدن کتاب «داستان‌های قرآن» بودم؛ می‌خواستم داستان حضرت مریم را بخوانم.

همین که مشغول مطالعه شدم، هلن، که چشمش به اسم قصه و تصویر حضرت مریم افتاده بود با تعجب به من گفت:

«شما مسلمان‌ها هم حضرت مریم را می‌شناسید؟»

گفتم: «بله می‌شناسیم. نام ایشان در کتاب‌های دینی ما هم آمده است.»

- «چه جالب! نمی‌دانستم!»

گفتم: «چه خوب فارسی حرف می‌زنی!»

- «چهار سال است در ایران زندگی می‌کنیم. راستی در کتاب‌های دینی شما درباره‌ی

حضرت مریم چه چیزهایی نوشته شده است؟»

گفتم: «در کتاب آسمانی ما قرآن، چند بار نام او آمده و یکی از سوره‌های قرآن به نام اوست».

مادرم که با علاقه به گفت‌وگوی من و هلن گوش می‌کرد از کیفش قرآنی را بیرون آورد و فهرست سوره‌های قرآن را به هلن نشان داد:

- «اینجا را ببین! سوره‌ی نوزدهم قرآن، سوره‌ی مریم نام دارد».

هلن تا نگاهش به کلمه‌ی مریم افتاد، چشم‌هایش درخشید و کمی حیرت‌زده شد. مادرم ادامه داد: «در قرآن، خدای مهربان او را الگوی انسان‌های مؤمن معرفی کرده است».



هلن پرسید: «در قرآن چه چیزهایی درباره‌ی حضرت مریم گفته شده است؟»

کتابم را نزدیک او بردم:

«دوست داری با هم بخوانیم؟»

- «بله!»

مادرِ مریم زنی بسیار با ایمان بود. او نذر کرده بود که اگر صاحب فرزندى شود، فرزندش را خدمتگزار «بیت المقدس» کند.

وقتی مریم به دنیا آمد و بزرگ شد، مادر او به نذرش عمل کرد و دخترش خدمتگزار بیت المقدس شد.

شوهر خاله حضرت مریم

پدر مریم پیش از تولد او از دنیا رفته بود و برای همین حضرت زکریا سرپرستی او را پذیرفت. او پیامبر خدا و شوهر خاله ی مریم بود.

روزی حضرت زکریا وارد بیت المقدس شد. مریم را در گوشه ای مشغول عبادت دید. ناگهان چشمش خیره ماند.

– دخترم! ... تو که امروز از معبد بیرون رفته ای؟

– خیر.

– کسی نیز به اینجا نیامده است؟



از طرف خدای مهربان

- خیر.

- پس ... این غذاها... اینها از کجا رسیده؟ ... این

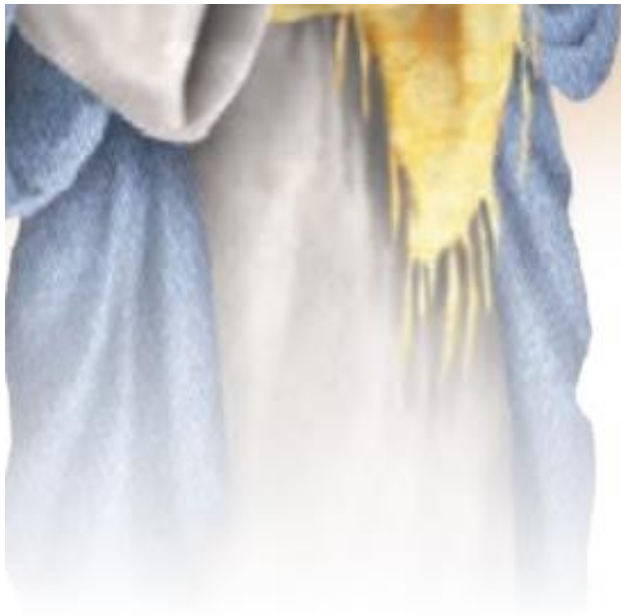
میوه ها... این میوه ها که در این فصل پیدا نمی شود...!

مریم با سخن خود، چشمان پیامبر خدا را غرق در اشک شوق کرد.

- به امر پروردگار این هدیه ها برایم می آید و در کنارم قرار می گیرد.

حضرت زکریا فهمید که مریم با این سنّ کم، چه مقام

بزرگی نزد خدا دارد.



تا اینکه یک روز، فرشتگان نزد مریم آمدند و گفتند:  
«خدا تو را انتخاب کرده است و در بین تمام زنانی  
که در دنیا زندگی می‌کنند، تو از همه برتری!...  
به تو مرده می‌دهیم که صاحب فرزندی می‌شوی  
به نام عیسی مسیح که پیامبر است و انسانی بسیار  
بزرگ»<sup>۱</sup>.  
مدتی بعد فرزند حضرت مریم سلام الله علیها به دنیا  
آمد....



وقتی داستان را با هم خواندیم به او گفتم: «پیامبر ما نیز درباره‌ی حضرت مریم جملات  
زیبایی فرموده‌اند» و یکی از حدیث‌های پیامبر را برایش خواندم:  
«بهترین زنان بهشت، مریم، خدیجه، فاطمه و آسیه‌اند».

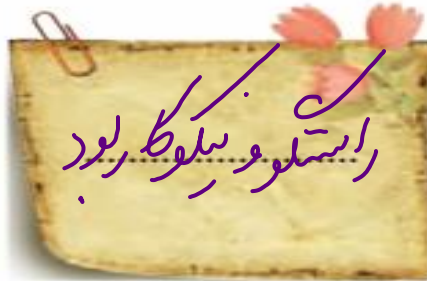
هلن بسیار خوشحال بود و با شادمانی گفت:  
«امروز روز خیلی خوبی بود! هم یک دوست خوب پیدا کردم و هم فهمیدم که شما  
نیز حضرت مریم را می‌شناسید و به او احترام می‌گذارید.»



با کمک دوستانت چه عنوانی برای این درس پیشنهاد می‌دهی؟

## برایم بگو

با توجه به درس، حضرت مریم چه ویژگی‌هایی داشت؟



## بگرد و پیدا کن

یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی حضرت مریم سلام الله علیها در آیه‌ی ۷۵ سوره‌ی مائده آمده است.

با مراجعه به قرآن، آیه را بخوانید و این ویژگی را پیدا کنید. راستگویی

## تدبّر کنیم

این آیه را بخوانید:

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ

سوره ی آل عمران، آیه ی ۴۳

ای مریم، فرمانبردار پروردگار خود باش، سجد کن و با رکوع کنندگان، رکوع کن.

این آیه به کدام بخش درس اشاره می کند؟

مربوط به عبارت حضرت مریم در بیت المقدس بود.



## گفت و گو کنیم

پیامبر خدا این چهار بانو را بهترین زنان بهشت معرفی کرده‌اند:

{ دَهِیْرِیَا مَبْر (ص)  
{ هَمْرُ حَضْرَتِ عَلِی (ع)

حضرت زهرا

فداکار

مهربان

دلسوز

{ هَمْرُ یَا مَبْر (ص)

حضرت خدیجه

فداکار - یاور همسر

{ مَادِرِ حَضْرَتِ مَسِیح (س)

حضرت مریم

بالایمان و راستگو

{ هَمْرُ فَرْعَوْن

حضرت آسیه

مبارز در برابر ظلم دستم

درباره‌ی هریک از ایشان چه ویژگی‌هایی به خاطر می‌آورید؟  
چه ویژگی‌های مشترکی میان ایشان وجود دارد؟ آنها را نام ببرید.

راستگو، بالایمان، مهربان، دلسوز، فداکار، برابر خدا بودند.